

**تحلیل سیاسی هفته (۱۱)**  
**صعود و سقوط یک رسانه،**  
**تحلیلی بر دلایل ناکارآمدی شبکه الجزیره قطر**

نام دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۲۶۰۱۲۸۹۴

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۲/۲۲

**مقدمه**

انقلاب‌های عربی شکل گرفته در منطقه خاورمیانه و برخی از کشورهای شمال آفریقا، از زمان شروع تاکنون تابع متغیرهای متعددی بوده و این متغیرها همچنان در اشکال گوناگون وجود دارند. یکی از متغیرهای مهم در این حوزه، بحث اطلاع‌رسانی و به‌عبارت دیگر رسانه است که از اهمیت بالایی برخوردار بوده، هست و خواهد بود. شبکه‌های مختلف خبری در طول دو سال و دو ماه گذشته در تلاش برای تأثیرگذاری بر روند تحولات منطقه از همه امکانات موجود استفاده کرده و با افزایش بودجه، نیروی کاری و حتی اختصاص شبکه‌های متعدد جدید و خرید سیگنال‌های تازه در ماهواره‌های مختلف؛ بر آن بودند تا سهم خود را در تحولات افزایش دهند.

شبکه خبری الجزیره قطر به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و تأثیرگذارترین این شبکه‌ها، از همان ابتدای تحولات در کشورهای عربی به‌عنوان شبکه پیش‌رو خود را معرفی کرد و با توجه به جایگاهی که پیش از این در تحولات عراق و افغانستان کسب کرده و حدود ۵۰ میلیون بیننده عرب را به‌خود اختصاص داده بود، این ظرفیت را داشت که با خودسوزی محمد بوعزیزی در شهر سیدی بوزید تونس، بر امواج خشم مردمی سوار شده و به‌زودی نقش اول را در این تحولات بازی کند. این شبکه خبری اما دو سال پس از شروع تحولات در کشورهای عربی خاورمیانه دچار افت شدید در مخاطب و رویکرد شد که این گزارش تلاش دارد تا با بررسی تحولات این شبکه خبری، دلایل این افت مخاطب و از دست رفتن جایگاه را مورد ارزیابی قرار دهد.

**الجزیره و تأثیرگذاری بین‌المللی**

الجزیره پیش از شروع تحولات در کشورهای عربی تا شش ماه پس از آن، جزء سه شبکه پرمخاطب جهان بود. این شبکه به همراه سی.ان.ان آمریکا و مجموعه بی.بی.سی انگلیس دارای بیشترین مخاطب در کشورهای جهان بودند و در جهان عرب نیز با وجود شکل‌گیری رقبای بسیاری برای آن، همچنان در صدر شبکه‌های پرمخاطب قرار داشت.

بسیاری از معروف‌ترین خبرنگاران، گویندگان و نویسندگان عرب در این شبکه خبری پرورش یافته، به شهرت رسیدند و خود بعدها منشأ شکل‌گیری رسانه‌های جدیدی شدند، اما دوران طلایی شبکه الجزیره که با شعار «دیدگاه من و دیدگاه دیگری» با انقلاب‌های عربی به شکوفایی رسید، بلافاصله دچار رکود شد و این دوران به پایان رسید، به نوشته مجله اشپیگل آلمان، الجزیره در طول یک دهه توانست احترام گسترده‌ای به‌عنوان تنها منبع خبری مستقل در خاورمیانه کسب کند، اما این خود نیز دلایلی چند داشت که با انقلاب‌های عربی اخیر در منطقه عملاً به پایان رسید.

الجزیره تا پیش از شروع انقلاب‌ها در کشورهای عربی با تمرکز بر چند واقعه مهم در دهه اول قرن جاری به همراه گسترش کمی شبکه‌های خود - با راه‌اندازی شبکه‌های الجزیره انگلیسی، الجزیره مستقیم، الجزیره کودکان و ورزشی - سعی کرد تا این دامنه نفوذ را در طیف متعددی از مخاطبان وارد کند.

تلاش برای کسب یک استقلال اقتصادی - درآمدهای بازرگانی و فروش حق امتیاز برنامه‌ها - به‌خصوص در پیوند تنگاتنگ با شرکت‌های بزرگ گازی و نفتی قطر از یک‌سو و هم‌دستی با برخی از سرمایه‌داران معروف و شناخته شده قطری برای خرید حق امتیاز بازی‌های ورزشی به خوبی نمود یافت، اما تحولات منطقه و تلاش برای پوشش وسیع‌تر تحولات

درواقع بودجه‌ای بیش از ۲۵۰ میلیون دلار می‌طلبید که در ماه‌های بعد همه آن از حساب‌های شخصی امیر قطر پرداخت شد که رقم آن را تا بیش از یک میلیارد دلار برآورد کرده‌اند.

### برنامه‌های معروف و مخاطب‌های متنوع

هرچند الجزیره تعداد بسیاری شبکه تلویزیونی تأسیس کرد، اما همچنان شبکه قدیمی و خبری آن در صدر تحولات قرار داشت. برنامه‌های معروف این شبکه در طول سال‌های پیش از انقلاب‌های عربی، به دلیل استمرار و تنوع مخاطب‌های خاص خود را پیدا کرد.

برنامه‌هایی که با مجری‌گری افراد معروف و شناخته شده اجرا می‌شد و میهمان‌های برجسته‌ای نیز در این برنامه‌ها حضور می‌یافتند مانند برنامه الاتجاه‌المعکس، الشریعه و الحیات با حضور شیخ یوسف قرضاوی، بلاحدود، حصاد المغاربه، مع هیکل - برنامه‌ای هفتگی با مشارکت محمد حسنین هیکل نویسنده و روزنامه‌نگار مشهور مصری - زمام المبادر، میدان الفن، مقالید الحکم، فی العمق، شاهد علی العصر و تحت المهجر، درواقع متنوع کردن برنامه‌ها برای تفکرات مختلف بود که باعث شد تا بیش از ۵۰ میلیون مخاطب عرب‌زبان و علاقمند به تحولات روز جهان - باید توجه داشت که تنها ۵۰ درصد اعراب توان دسترسی به شبکه‌های ماهواره‌ای را داشتند و الجزیره در برخی از کشورهای مهم عربی اجازه فعالیت نداشت و سیگنال‌های ماهواره‌ای آن هدف پارازیت قرار می‌گرفت - را به خود جذب کند، اما بسیاری از این برنامه‌ها پس از شروع انقلاب‌ها در کشورهای عربی ماهیت واقعی خود را نشان دادند و مشخص شد که این برنامه‌ها درواقع روکشی بر یک واقعیت عمیق‌تر در تفکرات سران الجزیره و در بُعد مهم‌تر حکام قطری برای افکار عمومی بوده است.

این نکته را باید در نظر داشت که الجزیره درحالی این تعداد مخاطب و جایگاه را در اختیار داشت که شبکه‌های خبری رقیبی مانند العربیه عربستان، العالم ایران، بی.بی.سی عربی و برخی از شبکه‌های عربی خبری دولتی نیز وارد میدان رقابت با آن شده بودند، اما موفق به از میدان به در کردن آن تا پیش از انقلاب‌ها نشدند.

### از دست دادن نفوذ در افکار عمومی

شش ماه پس از شروع انقلاب‌های عربی درحالی که الجزیره توانسته بود در کشورهای عربی که پیش از آن حتی دفتری و خبرنگاری برای فعالیت نداشت، دفاتر خود را بازگشایی کند، نظرسنجی‌ها نشان داد که مخاطبان این شبکه ریزش قابل ملاحظه‌ای کرده‌اند.

یکی از مراکز نظرسنجی آمریکایی که در تابستان گذشته در مورد میزان تأثیرگذاری الجزیره نظرسنجی مهمی را انجام داده بود، اعلام کرد که میزان مخاطبان این شبکه از روزانه ۴۶ میلیون نفر به حدود ۶ میلیون نفر کاهش پیدا کرده است. این مسئله باعث شد تا مقامات دولتی قطر و مسئولان این شبکه از متخصصان امور رسانه‌ای درخواست کمک کرده و از آنها بخواهند تا راه‌های بازگرداندن اعتماد این بینندگان را مطالعه و در اختیار آنها قرار دهند.

خارج از آنکه این نظرسنجی تا چه اندازه درست باشد، انتشار گزارش‌های متعددی در رسانه‌های عرب‌زبان و حتی با دقت در نظریاتی که در برخی از اخبار این شبکه منتشر می‌شود به خوبی این مسئله را نشان می‌دهد که الجزیره تا چه اندازه سقوط کرده است.

براساس نوشته یکی از نویسندگان عرب؛ برای سنجیدن تعداد بینندگان این شبکه نیازی به نظرسنجی نیست، تنها کافی است تا از اطرافیان خود بپرسید که چند نفر از آنها امروز این شبکه خبری را مشاهده می‌کنند و این خود مقیاس بسیار خوبی در این زمینه خواهد بود.

## دلایل مهم از دست رفتن جایگاه الجزیره

در مورد اینکه چه علل و عواملی باعث شد تا امپراتوری بزرگ الجزیره در کمتر از شش ماه پس از شروع انقلاب‌های عربی در شمال آفریقا و خاورمیانه جایگاه خود را از دست داده و به تعبیر برخی از کارشناسان مسائل رسانه دچار مرگ مخاطب شود، نظریات مختلفی وجود دارد.

اما در مجموع دیدگاه‌های مطرح شده در میان اصحاب رسانه و کارشناسان مسائل این حوزه مهم، می‌توان مهمترین این عوامل را در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. گسترش حاشیه آزادی در کشورهای انقلاب‌زده عرب: شاید اولین نکته و نقطه مثبت در کشورهای دیکتاتورهای آن سرنگون شدند، گسترش حاشیه آزادی، آزادی اظهارنظر، ارائه دیدگاه و قدرت انتخاب - به اندازه‌ای که از حد معقول خود تجاوز نکند- در این کشورها باشد. همین آزادی باعث شد تا شبکه‌های خبری متعددی - چه آماتور و چه حرفه‌ای - شکل گیرند که باعث جذب بینندگان در این کشورها به این شبکه‌ها شود که با توجه به نزدیکی به حکومت‌هایی که در این کشورها تشکیل شده بودند، سنخیت بیشتری با جامعه خود داشتند تا شبکه الجزیره.

۲. ناکامی در تفاوت قائل شدن میان درخواست‌های دولت قطر و وظیفه حرفه‌ای شبکه: شعار استقلال که الجزیره همچنان سر می‌دهد از عمل تا عالم واقع فاصله بسیاری دارد، شبکه‌ای مانند الجزیره دیگر نمی‌تواند خارج از خواست و دیدگاه مالک خود که دولت قطر باشد، گام بردارد. این مسئله در سخنان خبرنگار سابق این شبکه و رئیس دفتر آن در بیروت - غسان بن جدو - به خوبی آشکار است: «الجزیره دیدگاهی آشکار و واضحی در هریک از کشورهای عربی که به آن می‌پرداخت، داشت. این دیدگاه براساس اصول حرفه‌ای خبرنگاری استوار نبود، بلکه براساس مصالح و منافع وزارت خارجه قطر شکل گرفته بود». همین مسئله باعث شد تا مخاطبان عرب در بسیاری از کشورها شاهد سیاست دوگانه این شبکه در برخورد با مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی باشند که در برخی موارد حتی به مرحله سناریوسازی نیز می‌رسید که شاید مهمترین نمونه آن را بتوان در برنامه معروف و پربیننده «الاتجاه المعاکس» به مجری‌گری فیصل قاسم دید که در ماه‌های اخیر تلاش کرده تا دیدگاه‌های مستقل و به نسبه مستقل خود را کنار گذارد؛ درحالی که تا پیش از انقلاب‌های عربی این برنامه تندترین انتقادات و موضع‌گیری‌ها را علیه سران سابق کشورهای عربی اتخاذ می‌کرد، اما اکنون هیچ اشاره‌ای به رهبران جدید تونس، مصر، لیبی و حتی مغرب نمی‌کند که این خود نشان‌دهنده پیوند خوردن دیدگاه‌های وزارت خارجه قطر با رویکردهای شبکه الجزیره است.

۳. پرداختن به مسائل یک کشور و سکوت در قبال دیگر کشورها: الجزیره در تحولات کشورهای عربی به‌عنوان یک عنصر فعال هم‌ردیف نیروهای کنشگر ظاهر شد و نه یک رسانه اطلاع‌رسانی. الجزیره از طرف بسیاری از گروه‌های مردمی در کشورهای عربی به فتنه‌گری هوشمندانه در کشورهایی مانند سوریه و لیبی از طریق انتشار اخبار دروغ و ساخته شده متهم است، اما در مورد برخی دیگر کشورها که قطر در آنجا مصالحی دارد، سکوت را پیشه کرده که شاید نمونه عینی آن بحرین باشد.

۴. ناتوانی در نوآوری و شکل‌دهی برنامه‌های جدید: الجزیره پس از ۱۵ سال از ظهور خود نتوانسته به نوآوری و ساخت برنامه‌های جدید روی آورد. عنوان‌های برنامه‌ها همچنان قدیمی است، درحالی که برخی از میهمانان خود را از دست داده و بسیاری از کارشناسان برجسته عرب به دلیل سیاست‌های این شبکه دیگر حاضر به گفتگو با آن نیستند. این ناتوانی در ابداع درحالی دامن الجزیره را گرفته است که شبکه‌های خبری جدیدی که در جهان عرب متولد شده‌اند، از تنوع و نوآوری بسیاری برخوردار می‌باشند که مهمترین نمونه آن اسکای‌نیوز عربی می‌باشد.

۵. استعفای برخی از خبرنگاران شناخته شده و تأثیرگذار: سیاست دوگانه الجزیره در قبال کشورهای عربی به‌همراه دروغویی آن در بسیاری از موارد باعث شد تا برخی از خبرنگاران شناخته شده از آن جدا شوند و یا خود به تأسیس

شبکه‌های خبری روی آورند و یا اینکه جذب سایر شبکه‌های خبری گردند. خبرنگاران حرفه‌ای و خبره‌ای مانند غسان بن جدو، اکثم سلیمان خبرنگار مقیم آلمان و بسیاری از خبرنگاران زبده آن در پایتخت‌های معروف جهان مانند پاریس، لندن، مسکو و قاهره علیرغم حقوق مکفی و داشتن دفاتر بسیار شیک و به‌روز، از آن جدا شدند. اکثم سلیمان در مورد جدایی خود از الجزیره می‌گوید: پیش از بهار عربی ما نماینده صدای تغییر، جایگاهی برای نقد و تریبونی برای فعالان سیاسی منطقه بودیم، اما درحال حاضر الجزیره فقط و فقط یک رسانه تبلیغی است.

۶. **استیلای جریان‌های خاص (اخوان المسلمین) بر کادرهای الجزیره در دفترهای این شبکه:** نکته مهم و قابل توجه در مورد الجزیره آن است که سازمان مرکزی شبکه الجزیره در دوحه یا در کنترل اعضای اخوان المسلمین و یا نزدیکان این جریان است؛ مسئله‌ای که به‌خصوص در مورد شبکه «الجزیره مباشر مصر» - شبکه‌ای که الجزیره پس از پیروزی انقلاب مصر مخصوص بینندگان مصری خود راه‌اندازی کرد - صدق می‌کند، چراکه این شبکه به تریبون اخوان المسلمین تبدیل شده و در برخی موارد به‌عنوان سخنگوی رسمی کاخ ریاست‌جمهوری محمد مرسی عمل می‌کند. این مسئله اما در بُعد دینی خود نیز مشخص است، دعوت از شیخ یوسف القرضاوی از داعیان اخوانی و اختصاص یک برنامه هفتگی با عنوان الشریعه و الحیات به وی، در حقیقت نوعی تبلیغ در حوزه دینی برای تفکرات اخوانی است.

۷. **تناقض در سیاست‌های اعلامی و اعمالی:** الجزیره درحالی از سیاست‌های ضدآمریکایی در منطقه - در دوره‌های پیش - انتقاد می‌کرد که قطر میزبان بزرگ‌ترین پایگاه آمریکا در خارج از مرزهای این کشور و در چند کیلومتری ساختمان این شبکه است. الجزیره درحالی از سران برخی کشورهای عربی از توسعه مناسبات با اسرائیل انتقاد ضمنی و علنی می‌کند که حاضر نیست به روابط گسترده و سفرهای گاه‌وبی‌گاه سران حاکم بر قطر به سرزمین‌های اشغالی و دیدار آنها با مقامات رژیم صهیونیستی کوچک‌ترین اشاره‌ای داشته باشد و این خود سؤالات متعددی را در مورد صداقت الجزیره و مالکان آن برای مخاطبان عرب به‌وجود آورده است.

## جمع‌بندی

آنچه در این مختصر آمد، اشاره‌ای گذرا به صعود و سقوط یک رسانه - در حجم و اندازه جهانی آن - است. الجزیره که با شعار پذیرفتن دیدگاه مخالف پای در خانه‌های اعراب گذاشت، اکنون با توهین به شعور و برداشت آنها، پا پس کشیده و جای را به رقبای ریز و درشت دیگری داده است.

تجربه الجزیره می‌تواند به‌عنوان یک نمونه عملی در عرصه رسانه، نگاه ما را به این حوزه به‌خصوص در مورد مخاطبان در جهان عرب هوشیار کرده تا ضمن مطالعه بیشتر در مورد نوع تفکر اعراب، منویات جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص در مبحث بیداری اسلامی را گسترش دهیم که این مسئله با توجه به چند شبکه عربی کشور مانند العالم و الکوثر و حتی آی‌فیلیم قابل توجه است.

سقوط الجزیره در حقیقت سقوط تأثیرگذاری رسانه‌های بزرگ در جهان عرب به‌شمار می‌رود که شاید مهمترین دلیل آن دخالت مستقیم و بلافصل سیاست در عرصه رسانه باشد. محیط گسترده امروز در حوزه اطلاع‌رسانی و ارزان شدن این وسایل که با کمترین هزینه می‌توان یک شبکه خبری - هرچند محدود - را راه‌اندازی کرد، شبکه‌های بزرگ خبری را دچار چالش عمده‌ای کرده است، کم‌اینکه جدا شدن خبرنگاران حرفه‌ای الجزیره از آن، ضربه بزرگی برای آن به‌شمار می‌رود که این تجربه می‌تواند در مورد رسانه‌های داخلی کشور با وسواس بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.